6991 ـ ویژگی‌های حجاب صحیح و شرعی

سوال

حجاب اسلامی چه ویژگی‌هایی دارد؟ چون انواع و اقسام حجاب با شکل‌های گوناگون وجود دارد. دوست دانمارکی ما مدتی است که اسلام آورده و بسیار از اسلام آوردنش شاد است (الحمدلله) و می‌خواهد حجاب داشته باشد.
خواهشمندم راهنمایی کنید کجا وارد شده که حجاب باید جلباب (چادر) بلند باشد؟ ایشان به شدت نیازمند جواب شما هستند.

پاسخ مفصل

الحمدلله.

شیخ آلبانی ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

شروط حجاب:

اولا: پوشاندن همه‌ی بدن به جز جاهایی که استثنا شده است

بنابر این سخن الله تعالی که می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُل لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاء الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِن جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَن يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا [احزاب: ۵۹]

(ای پیامبر به زنان و دخترانت و به زنان مومنان بگو چادرهای خود را بر خود فرو افکنند، این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیک‌تر است و الله آمرزنده‌ی مهربان است).

در آیه‌ی نخست تصریح به وجوب پوشاندن همه‌ی زینت و آشکار نساختن چیزی از آن در برابر بیگانگان است به جز آن جاهایی که بدون قصد آشکار می‌شود که اگر فورا آن را بپوشانند برایش مواخذه نمی‌شوند.

حافظ ابن کثیر در تفسیر می‌گوید:

یعنی: چیزی از زینت خود را برای نامحرمان آشکار نسازند مگر آنچه پنهان کردنش ممکن نیست. ابن مسعود می‌گوید: مانند

ردا و لباس، یعنی بنابر آنچه زنان عرب استفاده می‌کردند مانند مقنعه‌ای که بر روی لباس را می‌پوشاند و آنچه از قسمت پایین لباس آشکار می‌ماند اشکالی در آن نیست زیرا پنهان کردن آن امکان ندارد.

ثانیا: اینکه در ذات خود زینت نباشد

چرا که الله متعال می‌فرماید:

وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ [نور: ۳۱]

(و زیورهایشان را آشکار نکنند).

عموم این آیه، لباسِ آشکار زن را در صورتی که خودش زینت باشد و نگاه مردان را به خود جلب کند نیز شامل می‌شود، و این سخن الله متعال گواه بر این مدعا است:

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى [احزاب: ۳۳]

(و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار نکنید)

و همچنین این سخن رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ که می‌فرمایند: درباره‌ی سه کس مپرس: مردی که جماعت را ترک گفته و از امامش سرپیچی کرده و در حال عصیان مرده، و کنیز یا برده‌ای که از صاحب خود گریخته و در این حال مرده، و زنی که همسرش نزد وی نیست و سختی و هزینه‌ی دنیا را از او برطرف ساخته سپس در غیابش خودنمایی و تبرج می‌کند، پس درباره‌ی آنان نپرس به روایت حاکم (۱/ ۱۱۹) و احمد (۶/ ۱۹) از حدیث فضالة بن عبید که سند آن صحیح است و در الادب المفرد نیز آمده است.

سوم: اینکه ضخیم بوده و شفاف نباشد زیرا پوشش با چنین لباسی محقق نمی‌شود و بلکه لباس شفاف بر فتنه و زینت زن می‌افزاید. پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ در همین باره می‌فرماید: در آخر امتم زنانی خواهند بود پوشیده و عریان، بر سرهایشان مانند کوهان شتر است، آنان را نفرین کنید که نفرین شده‌اند و در حدیثی دیگر می‌افزاید: آنان وارد بهشت نمی‌شود و بوی آن را حس نمی‌کنند در حالی که بوی آن از فاصله‌ی چنین و چنان به مشام می‌رسد به روایت مسلم از ابوهریره.

ابن عبدالبر می‌گوید: منظور ایشان ـ صلی الله علیه وسلم ـ زنانی است که لباسی می‌پوشند خفیف [و نازک] که بدن نما است و نمی‌پوشاند، بنابراین آنان به اسم پوشیده‌اند و در حقیقت عریانند این را سیوطی در تنویر الحوالك (۳/ ۱۰۳) نقل کرده است.

چهارم: اینکه گشاد بوده و تنگ نباشد و هیچ جای بدنش را وصف نکند.

چرا که هدف از پوشیدن لباس رفع فتنه است که چنین چیزی تنها با لباس گشاد حاصل می‌شود، اما لباس تنگ اگرچه رنگ پوست را پنهان می‌کند اما حجم بدن او یا قسمت‌هایی از آن را نمایان می‌سازد و آن را در نگاه مردان به تصویر می‌کشد که این شامل فساد و دعوت به آن است، چیزی که از دیده پنهان نیست. برای همین واجب است که لباس گشاد باشد. اسامه بن زید می‌گوید: «پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ قبطیه‌ای کلفت از آنچه دحیه‌ی کلبی به ایشان داده بود بر من پوشاند، پس من آن را به همسرم دادم. پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ به من گفت: چه شده که قبطیه را نپوشیده‌ای؟ گفتم: آن را به همسرم پوشاندم. فرمود: به او بگو زیرش غلاله (یک نوع زیرپوش) به تن کند. چرا که می‌ترسم حجم استخوان‌هایش (بدنش) را مشخص کند این روایت را ضیاء المقدسی در الاحادیث المختارة (۱/ ۴۴۱) و احمد و بیهقی با سند حسن تخریج کرده‌اند.

پنجم: اینکه عطر زده نباشد. بنابر احادیث بسیاری که زنان را از عطر زدن در هنگام بیرون رفتن از خانه نهی کرده است. اکنون برخی از احادیث را در این باره نقل می‌کنیم که با سند صحیح روایت شده‌اند:

۱ـ از ابوموسی اشعری ـ رضی الله عنه ـ روایت است که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: هر زنی که عطر بزند و سپس از کنار گروهی [از مردان] بگذرد که بوی عطرش را حس کنند او زناکار است.

۲ـ از زینب ثقفیه از پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ روایت است که فرمود: اگر کسی از شما برای رفتن به مسجد بیرون رفت نزدیک خوشبویی نشود.

۳ـ از ابوهریره روایت است که رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: هر زنی که بخوری (خوشبویی) به او رسیده در نماز عشاء همراه ما حاضر نشود.

۴ـ از موسی بن یسار از ابوهریره روایت است که گفت: زنی از کنار وی گذشت که بوی خوش از وی به مشام می‌رسید. به او گفت: ای بنده‌ی خدا، قصد مسجد داری؟ گفت: بله. گفت: و برای مسجد خوشبویی استفاده کرده‌ای؟ گفت: آری. گفت: پس برگرد و خود را بشوی زیرا من از پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ شنیدم که فرمودند: زنی نیست که به قصد مسجد خارج شود و بوی خوش از وی به مشام آید مگر آنکه نمازش پذیرفته نمی‌شود تا آنکه به خانه بازگردد و خود را بشوید.

وجه استدلال این احادیث عمومیت لفظ آن است، زیرا خوشبو کردن کردن و استفاده از عطر هم بر روی بدن است و هم بر روی لباس، به ویژه در حدیث سوم که در آن ذکر بخور آمده که بیشتر برای لباس استفاده می‌شود و خاص آن است.

سبب منع آن نیز واضح است که موجب تحریک شهوت است. علما چیزهایی را که در این معنا وارد است از جمله لباس زیبا و جواهراتی که آشکار باشد و زینت فاخر و همینطور اختلاط با مردان را به این موارد افزوده‌اند. نگا: فتح الباری (۲/ ۲۷۹).

ابن دقیق العید می‌گوید: این حدیث نشانگر حرمت استفاده از خوشبویی برای زنی است که خواهان رفتن به مسجد است، چرا که عامل تحریک شهوت مردان است. این را مناوی در فیض القدیر در شرح حدیث نخست (حدیث ابوهریره) آورده است.

ششم: لباسی شبیه مردان نپوشد

زیرا در این باره احادیثی صحیح وارد شده است که شامل لعن زنانی است که خود را در لباس و دیگر موارد به مردان شبیه می‌سازند. از جمله:

۱ـ از ابوهریره ـ رضی الله عنه ـ روایت است که گفت: رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ مردانی را که لباس زنان می‌پوشند و زنانی را که لباس مردان را می‌پوشند لعن کردند.

۲ـ از عبدالله بن عمرو روایت است که گفت: شنیدم رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ می‌فرمود: از ما نیست زنی که خود را به مردان شبیه سازد و مردی که خود را به زنان شبیه کند.

۳ـ از ابن عباس ـ رضی الله عنهما ـ روایت است که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ مردان زن‌نما و زنان مردنما را لغن نمودند و فرمودند: آنان را از خانه‌هایتان بیرون کنید و گفت: پس پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ فلانی را بیرون کرد و عمر فلانی را» و در لفظی دیگر: پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ مردانی که خود را به زنان و زنانی که خود را به مردان شبیه می‌سازند لعن کردند.

۴ـ عبدالله بن عمر ـ رضی الله عنهما ـ می‌گوید: پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمود: سه کس [یا گروه] هستند که وارد بهشت نمی‌شوند و الله در قیامت به آنان نگاه نمی‌کند: کسی که در حق والدینش بدرفتار است، و زن مردنما که خود را به مردان شبیه سازد و دیوث».

۵ـ از ابن ابی ملیکه ـ که نامش عبدالله بن عبیدالله است ـ روایت است که گفت: به عائشه ـ رضی الله عنها ـ گفتند: آیا زن نعلین می‌پوشد؟ (یعنی نعلین مردانه) فرمود: پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ زن مردنما را لعن کرده‌اند.

در این احادیث ادله‌ی واضحی بر تحریم شبیه ساختن زنان به مردان و برعکس وارد شده که این شامل لباس و دیگر موارد است، به جز حدیث اول که تنها نص بر لباس دارد.

هفتم: شبیه به لباس زنان کافر نباشد.

زیرا از آنجا که در شرع وارد شده که مردان و زنان مسلمان حق ندارند خود را در عبادات و اعیاد یا لباس‌های ویژه‌ی کفار شبیه آنان سازند و این یک قاعده‌ی بزرگ در شریعت اسلامی است که امروزه متاسفانه بسیاری از مسلمانان از آن خارج

شده‌اند، حتی کسانی که به امر دین و دعوت مشغولند که یا از روی جهل نسبت به دین است یا به سبب پیروی از هوای نفس یا همراه شدن با عادات زمانه و تقلید از اروپای کافر، طوری که همین یکی از اسباب عقب ماندن مسلمانان و ضعف آنان و قدرت گرفتن بیگانگان علیه آنان و استعمارشان شده است:

إِنَّ اللَّهَ لاَ يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُواْ مَا بِأَنْفُسِهِمْ [رعد: ۱۱]

(همانا الله حال قوی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند).

باید دانسته شود که ادله‌ی درستی این قاعده‌ی مهم در کتاب و سنت بسیار وارد شده و اگرچه ادله‌ی قرآن در این باره مُجمَل است اما سنت چنانکه همیشه به این صورت است، آن را تفسیر و تبیین کرده.

هشتم: اینکه لباس شهرت نباشد.

بر اساس حدیث ابن عمر ـ رضی الله عنه ـ که رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: هرکه در دنیا لباس شهرت بپوشد (لباسی که جلب توجه کند) الله در قیامت بر وی لباس ذلت بپوشاند و سپس در آن آتش افکند (حجاب المرأة المسلمة: ۵۴ ـ ۶۷).

والله اعلم